



یادداشت

فقر و فلاکت و جنگ امروز نتیجه یک قرن استبداد و سرکوب طبقه کارگر است

صادق کار



دمکراسی و رفاه بدون آزادی فعالیت اتحادیه های کارگری میسر نیست

جمعه آینده ۱۱ اردیبهشت مصادف با اول ماه مه روز جهانی کارگر است. حداقل از ۱۰۵ سال پیش تا کنون بعد از تشکیل نخستین سازمانهای کارگری روز جهانی کارگر البته با فراز و فرود های زیادی متناسب به شرایط سیاسی در کشور ما به اشکال مختلف برگزار شده است. وجود رژیم های دیکتاتوری البته جز در هنگامی که خلاء قدرت بوجود آمده همواره مانع از برگزاری آزادانه روز کارگر و فعالیت احزاب و اتحادیه های کارگری واقعی شده است.

وجود آزادیهای نسبی بوجود آمده در اثر انقلاب مشروطه و آزاد شدن نیروهای مترقی از قید و بند استبداد سلطنتی و تشکیل نخستین سازمانهای کارگری در میان کارگران مهاجر ایرانی در باکو، به گسترش دامنه فعالیت و نفوذ احزاب و اتحادیه های کارگری بویژه حزب کمونیست ایران که نقش مهمی در تشکیل، سازماندهی و هدایت اتحادیه های نخستین داشت، منجر شد. اما این دوران طلایی اولیه دیری نپائید.

به محض طی شدن پروسه انتقال سلطنت قاجار به پهلوی که با کودتای سید ضیا و رضا خان میر پنچ و هدایت افسران انگلیسی انجام شد، دیکتاتوری تازه ای که کمتر از دیکتاتوری محمد علی شاه خوفناک نبود جای آن را گرفت.

در سال ۱۳۰۵ نیروهای شهربانی وقت بساط روز کارگر را که توسط اتحادیه کارگران چاپ و سایر اتحادیه های کارگری تهران سازماندهی شده بود و همه ساله برگزار می شد، بر هم زدند و فعالیت های آزاد اتحادیه ای و روزنامه های مستقل در ایران را ممنوع کردند.

متعاقب آن رهبران اصلی اتحادیه ها را که در دسترس بودند به زندان انداختند و بعدا تعدادی از آنها را در زندان به قتل رساندند. با این حال فعالیت های اتحادیه ای بصورت غیر علنی تا سال ۱۳۱۰ که قانون معروف به "قانون سیاه" را تصویب کردند و حتی تا مدتی بعدتر نیز ادامه داشت.

نیروهای پیشروی طبقه کارگر که در همان مدت کوتاه قبل از بازگشت دیکتاتوری طعم آزادی و فعالیت سازمانیافته را چشیده بودند حاضر نبودند با وجود اختناق شدید آن را رها کنند.



تشکیل حزب توده، شورای متحده مرکزی و دیگر جریان‌های کارگری و چپ و تبدیل آنان به بزرگترین سازمانها متشکل تاثیرگذار در رویدادهای سیاسی و اجتماعی کشور بازتاب تجربیات جنبش کارگری از دوران اختناق رضا شاهی بود. جنبشی در صحنه اجتماعی و سیاسی بوجود آمده بود که ریشه در میان مردم زحمتکش داشت و حذف شدنی نبود.

در تمام سالهای بعد از کودتای نگین ۲۸ مرداد، سرکوب اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری و چپ و ایجاد احزاب و اتحادیه‌های کارگری حکومتی سیاستهایی بودند که به رغم تجربیات شکست خورده دوران رضا شاه با قصد نابود کردن جنبش کارگری یا لاقط جلوگیری از رشد و تاثیر گذاری آن توسط هیئت حاکمه ایران اعمال و دنبال می شد. با اینکه وقوع انقلاب و برآمد نیرومند چپ از دل آن بار دیگر شکست چنین سیاستهایی را به اثبات رسانید، اما رژیم اسلامی نیز همان سیاستها را گام به گام در پیش گرفت و تلاش کرد با خشونت بی سابقه از جمله با کشتار نیروی چپ آنرا به پیش ببرد، اما آرزو بر دل ماند.

در رژیم پیشین نیز فعالیت سندیکاها مستقل ممنوع بود و هر اقدامی برای تشکیل سندیکاها مستقل با زندان جواب می گرفت. روز کارگر برای سالها بکلی ممنوع بود. سپس روز تولد رضا شاه را به عنوان روز کارگر قرار دادند، اما چون استقبال نشد، بالاخره روز اول ماه مه را پذیرفتند و فقط به سندیکاها دولتی اجازه می دادند که روز کارگر برای تجلیل از شاه و دعا بجان وی تظاهرات نمایند.

در جمهوری اسلامی نیز برخورد با روز کارگر ترکیبی است از برخورد دوران رضا شاه و محمدرضا شاه.

دیروز پنجشنبه سوم اردیبهشت علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر که در واقع خانه عوامل حکومت است، برنامه ویژه "هفته کارگر" خود را اعلام کرد. برنامه اصلی این تشکل حکومتی و دبیر کل سر سپرده آن تفاوتی با مراسم های احزاب دولتی زمان شاه ندارد.

گویی اساسا روز کارگر در جهان از نظر این جماعت برا سنا گویی از شاهان و شیخان بوجود آمده است. به غیر از دو سه سال انقلاب که در اثر خلاء ناشی از سقوط رژیم شاه و وجود پر قدرت سازمانهای کارگری و شرایط بعد از انقلاب، آنها جسارت بیان صریح حرفهای امروزشان را نداشتند، بعد از سرکوب احزاب و سازمانهای کارگری و احیای دیکتاتوری و اختناق همه ساله، روز کارگر را فرصتی برای تجلیل و تکریم از رهبر و تائید سیاستهای ضد کارگری رژیم مورد استفاده قرار می دادند. علیرضا محجوب دیروز به سیاق سالهای گذشته گفت:

"برای گرامیداشت روز کارگر در روز جمعه، بحث تجدید بیعت با رهبر شهید و مراسم بیعت با رهبر جدید انقلاب اسلامی را نیز داریم. همچنین مراسمی برای زنان کارگر نیز توسط خانه کارگر به صورت مجزا برگزار خواهد شد. ما با مراسم تجدید بیعت با رهبر شهیدمان در محوطه بیت رهبری همراهی خواهیم داشت"

در مورد دستمزد های زیر خط فقر که مهمترین مطالبه کارگران است نیز افزود:

: باوجود اینکه مزد مصوب سال جاری بسیار کمتر از رقمی بود که ما محاسبه کرده بودیم، ولی جسارت دولت در افزایش ۶۰ درصدی مزد حداقل بگیران قابل ستایش است و فشاری که به وزیر کار برای یکماه دیر ابلاغ کردن مصوبه مزدی شورای عالی کار وارد آمد، بی سابقه بود. نگرانی ما برای معیشت واقعی است.



او سالهاست که در مورد موضوع دستمزد از یکسو افزایش را ناکافی می خواند و در یک تناقض آشکار از وزیر کار بخاطر امتناع از افزایش دستمزد و منجمد کردن آن در حد یکسوم حداقل هزینه های اولیه زندگی تجلیل می کند. خیالش هم راحت است که حکومت با ندان اجازه تظاهرات به کارگران و تشکلهای غیر حکومتی، میدان را برا فریبکاری سرسپردگان خود خالی نگه می دارد و برادران سرکوبگر محبوب هم آماده اند تا هر حق طلبی را در روز کارگر سرکوب کنند. علت اصلی شکست برنامه های اقتصادی و سیاسی هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی با وجود تفاوتهایی که با هم دارند، وجود دیکتاتوری و سرکوب اتحادیه های کارگری در هر دو رژیم است. پایه دمکراسی و جامعه مدنی اتحادیه هستند و بدون اتحادیه ها حداقل تا کنون جوامع دمکراتیک به مفهوم مدرن آن شکل نگرفته است.

تجربیات طبقه کارگر و مبارزات تایخی مردم ایران در یکصد سال اخیر به ما آموخته است که علت اصلی فقر و فلاکت امروز و دپروز اکثریت مزد و حقوق بگیران وجود رژیم های دیکتاتوری سرمایه داری و رانتی است که با سرکوب آزادی های اساسی و اتحادیه ها و احزاب کارگری و بی حقوق سازی نیروی کار و ایجاد احزاب و اتحادیه های طرفدار صاحبان قدرت و ثروت و تشدید استثمار و غارت بیش از دو سوم جمعیت کشور را به زیر خط فقر رانده و با ناراضی کردن مردم به متجاوزان خارجی فرصت داده اند که جنگ پرهزینه ای را بر مردم ما تحمیل نموده، و فقر، بیکاری، گرانی و تورم و نا امنی بیشتر را برای مردم رقم زده اند. باید از فرصت روز کارگر برای مبارزه علیه، فقر، استبداد، بیکاری، جنگ و برای تحمیل صلح به هر دو طرف و نجات کشور از پیامدهای تجاوز خارجی متحدانه مبارزه و تلاش کرد. مشکلات مردم در صورت تداوم جنگ روز به روز بیشتر خواهند شد

طبقه کارگر ایران با از سر گذراندن سه تجربه در دو رژیم دیکتاتوری سلطنتی و فقاھتی آموخته است، برای اینکه بتواند از حقوق خود دفاع کند، باید متحد و متشکل شده و همزمان برای کسب حقوق خود با استفاده از تجربیات گذشته علیه استبداد و دیکتاتوری، و جنگ نیز که به آن ها افزوده شده مبارزه کند. واقعیت این است که جنگ مانع بزرگی بر سر راه آزادی و عدالت اجتماعی، واهداف جنبش های مردمی بوجود می آورد که بدون پایان دادن به جنگ رسیدن به آنها اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

متحد و متشکل علیه بیکاری مبارزه باید کرد!

فقر و نابرابری بخش دوم

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



"حلقه آبادی" در هند



2.1 اندازه‌گیری فقر

خط فقر، افراد فقیر را از افراد غیر فقیر جدا می‌کند. با این حال، انواع مختلفی از فقر وجود دارند: فقر مطلق، فقر شدید و فقر. به همین سان انواع گوناگونی از افراد غیرفقیر نیز وجود دارند: تقریباً فقیر، طبقه متوسط، طبقه متوسط بالا، ثروتمند، بسیار ثروتمند و ثروتمند مطلق. می‌توان خط فقر را به صورت یک خط یا یک پیوستار از "فقر مطلق" تا "ثروت مطلق" تصور کرد که خط فقر، فقرا را از غیرفقرا جدا می‌کند.

خط فقر: خط فقر، یک آستانه پولی است که هر فردی که درآمد یا مصرف او پایینتر از آن باشد، در وضعیت فقر به حساب آورده می‌شود. سازمان ملی نمونه‌گیری (NSSO) داده‌هایی را برای برآورد فقر در هند جمع‌آوری می‌کند. روشهای مختلفی برای اندازه‌گیری فقر وجود دارند. یکی از این روشها تعیین فقر بر اساس ارزش پولی (هزینه سرانه مصرف) برای دریافت حداقل کالری است که برای هر فرد در مناطق روستایی 2400 کالری در روز و در مناطق شهری 2100 کالری در روز برآورد شده است.

بر این اساس، در سال 2011 تا 2012 خط فقر برای مناطق روستایی به صورت مصرف ماهانه ای معادل 816 روپیه برای هر نفر و برای مناطق شهری 1000 روپیه تعریف شد. بنابراین، دولت هند از "هزینه ماهانه سرانه" به عنوان جانشینی برای درآمد خانوارها جهت شناسایی فقرا استفاده می‌کند.

1.2.1 برآورد فقر در هند

تا کنون در سالهای متفاوتی برآوردهائی از تعداد افراد زیر خط فقر در هند توسط گروه‌های کارشناسی مختلفی انجام یافته اند. از جمله توسط:

1. گروه کاری 1962

این گروه، چنان که از نام آن پیداست، خط فقر را در سال 1962 تعیین کرد. به موجب یافته‌های این گروه خط فقر برای مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۲۰ و ۲۵ روپیه به ازای هر نفر در ماه بر اساس قیمتها در سال 1960 – 1961 بود. در محاسبات این گروه هزینه‌های سلامت و آموزش در نظر گرفته نشده بودند.

2. گروه مطالعاتی داندکار و رات

این گروه خط فقر را بر اساس تأمین حداقل کالری مورد نیاز روزانه اندازه‌گیری کرد و 2250 کالری را خط فقر قرار داد. بر این اساس خط فقر در مناطق روستائی 15 روپیه و برای مناطق شهری 22.5 روپیه تعیین شد. نکته مهم این که قیمت‌های پایه همان قیمت‌های 1960 – 1961 منظور شده بودند.

3. کارگروه علق 1979 (Alagh)

این گروه نیز خط فقر را بر اساس تأمین حداقل کالری مورد نیاز روزانه اندازه‌گیری کرد. اما این نیاز را برای روستا 2400 و برای شهر 2100 کالری منظور کرد. بر این پایه خط فقر در مناطق روستائی 49.1 روپیه و برای مناطق شهری 56.7 روپیه تعیین شد.

4. گروه کارشناسی لاکداوالا 1993



تا دهه ۱۹۹۰ تلاش چندانی برای در نظر گرفتن تفاوت قیمت‌های منطقه ای و تغییر الگوهای مصرف در برآورد فقر نشده بود و ارقام و خط فقر هر پنج سال یک بار بر اساس نظرسنجیهای مرکز آمار هند، و با تعدیل تورم، به روز می شدند. این روش منتقدانی داشت که آن را ناکافی می دانستند. در سال ۱۹۸۹ گروه لاکداوالا برای بازنگری روش تشکیل شد. گروه لاکداوالا خط فقر تعریف جدیدی از خط فقر به دست نداد و خط فقر جداگانه برای مناطق روستائی و شهری را بر اساس نیازهای تغذیه ای حفظ کرد.

وجه متفاوت کار این گروه معرفی خط فقر ایالتی بود، که تفاوت قیمت‌ها در ایالات را با استفاده از شاخص قیمت مصرف کننده کارگران صنعتی در شهرها و شاخص قیمت کارگران کشاورزی روستاها تعیین کرد، و نه با استفاده از داده های مرکز آمار هند، که تفاوت قیمت‌های ایالتی در آنها منعکس نمی شدند. با این حال این روش هم تدریجاً به دلیل مشکلات داده های مربوط به قیمت‌ها اعتبار خود را از دست داد و محاسبات خط فقر در سالهای بعد از معیار اولیه تأمین حداقل کالری فاصله گرفتند

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!

زویا مدیر مسئول نشریه اول ماه مه بود

صادق



در سالهای اول بعد از انقلاب، زمانی که هنوز استبداد و اختناق اسلامی سایه شوم خود را بطور کامل بر سر ایران پهن نکرده بود و سازمانها و شوراهای کارگری نوپا در سراسر کشور تشکیل و شروع به فعالیت کرده بودند. زمانی که هنوز سه تفنگدار حزب جمهوری اسلامی بر خانه کارگر و مراکز سندیکایی مسلط نشده بودند و آزادی هنوز بطور کامل مغلوب استبداد فقهائی درنده خوی نشده بود، روز کارگر نیز با شکوه و عظمتی که قبلاً سابقه نداشت در سراسر کشور به رغم حملات دسته های چماقدار حکومتی و حزب حاکم جمهوری اسلامی برگزار می شد.

در آن ایام هنوز چماقدار های نامدار و بی نامی که سر نخ همگی شان در آن ایام در دست حزب تازه تاسیس جمهوری اسلامی و شرکای حجتیه ای و موتلفه چی شان بود هنوز موفق نشده بودند تظاهرات و تجمع ها و تشکل های کارگری را بطور کامل از میدان بدر کنند و صدای حق خواهانه شان را در گلو خفه کنند.



حتی دارودسته سازمان یافته حزب جمهوری اسلامی تحت هدایت عناصری مانند علی ربیعی، حسین کمالی، و علیرضا محجوب و شرکا که بخشی از وظیفه سرکوب فعالیت‌های کارگری با دادن اختیار تام به آنان سپرده شده بود مدتی طول کشید تا توانستند با کمک کمیته‌ها مراکز کارگری را با زور و قلدری تصاحب کنند. وقتی صد ها هزار نفر در تهران و شهرهای بزرگ در روز کارگر راهپیمایی به راه می‌انداختند، از این جماعت فرصت طلب تازه به دوران رسیده کاری غیر از اینکه سعی کنند با طرح شعارهای تفرقه افکنانه و دادن وعده‌های فریبکارانه در صفوف کارگران شکاف ایجاد کنند، ساخته نبود. آنها و حکومت مطلوب شان نه تنها به هیچ یک از وعده‌ها و شعارهایی که در آن زمان می‌دادند عمل نکردند، بلکه بخشی از حقوقی را که کارگران در سالهای پیش از انقلاب بواسطه تشکیل احزاب و اتحادیه‌های کارگری در دهه ۳۰ و مبارزات خود بدست آورده بودند را با سرکوب سازمانهای کارگری پس گرفتند و تقدیم اربابان خود کردند.

سندیکاهای کارگری در بعد از انقلاب

اکثر سندیکاهای کارگری در سالهای پیش از انقلاب و پس از سرکوب و غیر قانونی کردن شورای متحده مرکزی، مانند شوراهای اسلامی کار تحت کنترل ساواک درآمدند. کنترل ساواک بر سندیکاهای دولتی شده، باعث بی اعتمادی و پشت کردن کارگران شده بود. همین وضع را سالهاست که شوراهای اسلامی حکومتی شده پیدا کرده‌اند. با شروع انقلاب رهبران دولتی آنها نیز گم و گور شدند و هدایت سندیکاها کاملا در اختیار کارگران قرار گرفت و در تعداد زیادی از کارخانه‌های بزرگ شوراهای جای سندیکا را از آن خود کردند. با این حال سندیکاهای زیادی با بازسازی خود در کنار شوراهای فعالیت‌های مستقلانه خود را از سر گرفتند.

از سر گیری تظاهرات روز کارگر

در دو سه سال بعد از انقلاب علاوه بر تظاهراتی که شوراهای کارگری در تهران، آبادان، تبریز، اصفهان، اراک و بقیه شهرها برپا می‌کردند، سندیکاهای کارگری نیز افزون در شرکت در همه ی تظاهرات‌ها، خودشان نیز مراسم‌های خاص خود را در مراکز سندیکایی داشتند. در این مراسم‌ها که تلاش می‌شد حتی الامکان بطور مشترک برگزار شود، بیشتر کارگران و سندیکا‌های صنوف مختلف همراه با برخی سندیکا‌های شرکت‌های بزرگ، مانند سندیکای برق، خطوط لوله ری سندیکای کارکنان بانک و ... شرکت می‌کردند.

با وجود تفاوت‌های شغلی خواسته‌های صنوفی مشترک بودند. داشتن بیمه، دستمزد بهتر، کاهش ساعت کار، قرار گرفتن تحت پوشش قانون کار، افزایش مرخصی سالیانه و تعطیلی روز کارگر، مهمترین مطالبات کارگران صنوف هم بود. درخواست چنین مطالباتی در شرایط ادعای رژیم مبنی بر ایستادن در مقابل دروازه تمدن بزرگ نشان از بی حقوقی کارگران و بی ربط بودن چنین ادعاهایی بود.

در همان یکی دو سال اول که اندکی آزادی وجود داشت، عده قابل توجهی کادر سندیکایی پیگیر و مشتاق فعالیت و با انگیزه تربیت شد که فعالین سندیکایی قدیمی در پرورش آنان نقش اساسی داشتند. در همان مدت کوتاهی که سندیکاها هنوز سرکوب کامل نشده بودند، آنها توانستند خدمات زیادی به کارگران بنمایند. بیمه کردن عده زیادی از کارگران، تشکیل تعداد زیادی تعاونی مسکن و مصرف، صندوق وام، کمیته‌های ورزشی، هیئت‌های حل اختلاف، بخشی از نتایج این فعالیت‌ها بود که شرایط زندگی و شغلی کارگران را بهتر کرده بود.

در اکثر سندیکاها جلسات هفتگی توسط هیئت‌های مدیره و مسئولین کمیته‌های مختلف با شرکت اعضای سندیکا تشکیل می‌شد و مسائل و راه‌کارها بر اساس تجربیات عملی مورد بحث و بررسی قرار می‌



گرفت و تصحیح می شد. در برخی سندیکاها گروه های نمایش تشکیل شده بود که نمایشنامه های اجتماعی و کارگری را اجرا می کردند. سرپرست یکی از گروه ها هنرمند با ذوق و سلیقه ای بنام عسکری بود که در کار خود بسیار حرفه ای عمل می کرد.

در مرکز سندیکایی لاله زار که سندیکاهای، بافنده، خیاط، کفاش، قناد و چند سندیکای دیگر فعالیت می کردند، حتی یک نشریه تحت سرپرستی زویا که فعالیت های مهم سندیکاها را منعکس می کرد درست شده بود که هم تیراژ بالایی داشت و هم مطالب اش ساده و روان و بسیار مورد توجه کارگران قرار داشت. یک مرکز سندیکایی نیرومند نیز در جنوب تهران تشکیل و فعالیت می کرد که ۷ سندیکا و اتحادیه را از نانوایان، خمار نورد کار، فلزکار، سنگ کار، تا دباغ ها را تحت پوشش داشت. در حوالی سه راه شمیران نیز انجمن همبستگی قرار داشت که تعداد بیشتری سندیکا و شورا از جمله، برق تهران، اتحادیه کارگران ساختمانی، سندیکای نجار و سندیکای خطوط لوله، بانک ها و چاپ را در بر می گرفت.

تعدادی از فعالان و اعضای کمیته های سندیکاها، از آن جمله. توفیق وثوقی از اعضای سندیکای کارگران چاپ و کتابفروشی. حسن جلالی از همین سندیکا، هدایت اله معلم از اعضای هیئت مدیره سندیکای فلزکار، بند علی مراد پور از اعضای سندیکای خیاط و چند تن دیگر در جریان قتل عام زندانیان در سال ۶۷ به قتل رسیدند. محسن سجادی رئیس وقت سندیکای خیاط نیز به زندان محکوم شد و با وجود جوانی اندکی بعد از آزادی از دنیا رفت. عباس صانعی رئیس هیئت مدیره سندیکای خم کار نورد کار و بهمنش عضو دیگر سندیکا، حسین نعمتی دبیر انجمن همبستگی سندیکاها و شورای کارگری تهران، سمنانی از رهبران جنبش سندیکایی و مدیران سندیکای کفاش، فراهانی عضو هیئت مدیره سندیکای خیاط، فرهادی دبیر سندیکای شرکت واحد، گلرنگ رئیس هیئت مدیره کارگران ساختمانی جواد مثنی عضو هیئت مدیره سندیکای بافنده، یعقوبیون، از رهبران سندیکای کفاش در سالهای گذشته فوت کردند. عده ای نیز کشور را ترک کردند که بدون سوال از آنها نمیتوانم اسامی شان را در این نوشته بیاورم. از سرنوشت خیلی هایشان بعد از سرکوب از آن جمله زویا دختر جوان و پرکار و شوری که مدیر مسئول نشریه کارگری خوب "اول ماه مه" را داشت و خبرنگاران آن کارگران بودند، اطلاعاتی ندارم، ولی از اثر آن نشریه روی فعالیت های سندیکایی با وجود عمر کوتاهی که داشت نیک آگاهم. یاد و خاطره همه آنهایی را که دیگر در قید حیات نیستند همچنان برای همیشه با خود نگاه خواهم داشت و برای آنهایی که زندگی می کنند در هر جا هستند آرزوی سلامتی دارم.

توضیح: اسامی افراد را همانطور که صدایشان می کردم و به خاطر مانده نوشته ام. بعضی ها را با نام کوچک و عده ای را نیز با نام فامیل شان نوشتم

گرامی باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران جهان

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و تحریم های اقتصادی فقرآور هستیم!



بیماریهای شغلی؛ مرگهای تدریجی و پنهان

بهبود فدایی



در حالی که حوادث ناگهانی کار سهم بزرگی از مرگ و میر را به خود اختصاص میدهند، بیماریهای شغلی که حاصل سالها کار در محیطهای آلوده و پرخطر هستند، قربانیان خاموش و گمنام تری دارند که به ندرت در آمار رسمی جایی برایشان هست.

طبق برآورد سازمان بین المللی کار، میزان مرگ و میر ناشی از بیماریهای شغلی در جهان حدود ۶ برابر حوادث کار است؛ اما در ایران این نسبت به ۱۲ برابر نیز میرسد.

سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۴۰۳ مجموعاً ۴۹,۱۹۸ حادثه ناشی از کار را ثبت کرده که این آمار نیز تنها شامل موارد گزارش شده است. فعالان کارگری اما این آمار را بسیار کمتر از واقعیت میدانند.

بیماریهای شغلی

بیماریهای شغلی طیف گستردهای از آسیبهای جسمی و روانی را شامل میشوند

بیماریهای تنفسی: این شایعترین و مرگبارترین دسته از بیماریهای شغلی هستند که در اثر استنشاق طولانی مدت گرد و غبار و مواد شیمیایی ایجاد میشوند. سیلیکوزیس یکی از مهمترین آنهاست که در میان کارگران معادن زغالسنگ و سنگبری رواج دارد. یک مطالعه نشان داد که خطر نسبی مرگ و میر ناشی از سیلیکوزیس بین ۶۳ تا ۶۶ در هر هزار نفر و خطر اضافه مرگ بر اثر سرطان ریه حدود ۶۵ نفر در هر هزار نفر تخمین زده میشود.

بیماریهای قلبی و عروقی: فشارهای کاری طاقت فرسا، استرس مزمن و نوبتکاری در صنایعی مانند فولاد و

پتروشیمی، به طور مستقیم سلامت قلب را تهدید کرده و خطر سکته و حملات قلبی را افزایش میدهند.

اختلالات اسکلتی-عضلانی: این دسته از شایعترین علل ناتوانی شغلی در ایران هستند. یک مطالعه در سال ۲۰۲۱ نشان داد که بیشترین میزان این اختلالات در ناحیه تحتانی کمر (۴۶.۶ درصد) رخ میدهد و عواملی مانند استرس شغلی و حرکات تکراری نقش اصلی را در بروز آن دارند.

سرطانهای شغلی: تماس مداوم با مواد شیمیایی سرطانزا مانند بنزن در صنایع پتروشیمی و یا آرسنیک و آزبست در سایر صنایع، کارگران را در معرض خطر بالای ابتلا به سرطانهای مختلف (مانند سرطان خون) قرار میدهد.



اختلالات روانی: استرس شدید، ناامنی شغلی، فشار روانی ناشی از کار در محیط‌های پرخطر و ساعات کار طولانی، کارگران را به سمت افسردگی، اضطراب و فرسودگی شغلی سوق می‌دهد که خود زمینه ساز بسیاری از بیماری‌های دیگر است.

پیامدهای انسانی و اجتماعی

این بیماری‌ها نه فقط جان، بلکه زندگی و آینده کارگران و خانواده هایشان را نابود می‌کنند. بسیاری از قربانیان، پس از سالها زندگی با درد و رنج، در سنین میانسالی از کار می‌افتند و در حالی که هنوز می‌توانستند نان آور خانه باشند، به یکباره به فردی وابسته تبدیل می‌شوند.

قانون تأمین اجتماعی، از کارافتادگی کلی را به عنوان کاهش قدرت کار به نحوی تعریف می‌کند که فرد نتواند بیش از یکسوم (۳۳ درصد) از کار سابق یا کار دیگری درآمد داشته باشد. بسیاری از کارگرانی که دچار بیماری‌های مزمن شغلی می‌شوند، در همین نقطه تعریف مبهم و فرآیندهای پیچیده تشخیصی گم می‌شوند و هرگز موفق به دریافت مستمری از کارافتادگی نمی‌شوند.

غربت قانون و بی‌رحمی نهادها

نظام حقوقی ایران در این زمینه با بحران روبه رو است

• خلأ نظارت مؤثر: آمارها نشان می‌دهد تنها ۳۹ درصد مراکز کار تحت پوشش واقعی بازرسی هستند و دسترسی به امکانات بهداشتی در کمتر از نیمی از محیط‌های کار فراهم است.

• تشخیص دشوار و نا مطمئن: تشخیص یک بیماری شغلی "ناشی از کار" فرآیندی فوق العاده دشوار و زمان بر است. حتی اگر بیماری تشخیص داده شود، قوانین در عمل به ندرت از کارگر حمایت می‌کنند

• قربانیان بدون پوشش بیمه: این معضل برای کارگران غیررسمی، به ویژه کارگران ساختمانی و فصلی، به مراتب حادتر است. نبود بیمه تأمین اجتماعی به معنای نبود هیچ حمایت مالی در برابر بیماری‌های ناشی از کار است.

آمارهای رسمی و گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که موضوع بیماری‌های شغلی و قربانیان گمنام آن، به یکی از بحران‌های خاموش اما عمیق نظام کار در ایران تبدیل شده است؛ بحرانی که ریشه در عدم نظارت مؤثر تشکلهای و بی توجهی نهادهای ذیربط دولتی به سلامت و ایمنی کارگران دارد.

بیماری‌های شغلی: قربانیان گمنام آمار

بیماری‌های ناشی از کار قربانیان خاموش و گمنامی هستند که آمار دقیقی از آنها وجود ندارد. کارگران در محیط‌های آلوده به مواد شیمیایی، سمی، گازها و گرد و غبار، سالها در معرض انواع بیماری‌های تنفسی، قلبی، پوستی، سرطانهای شغلی و اختلالات روانی قرار می‌گیرند و پس از سالها زندگی همراه با رنج و درد، جان می‌بازند. سازمان بین المللی کار تخمین می‌زند که از ۲.۳۴ میلیون تلفات شغلی سالانه در جهان، ۲.۰۲ میلیون مورد مربوط به بیماری‌های مرتبط با کار است که ابعاد واقعی این تراژدی را روشن می‌کند.

نهادهای دولتی و کارفرمایان: از نظارت تا کوتاهی



اگرچه قوانین بالادستی مانند قانون کار (فصل چهارم) و قانون تأمین اجتماعی، مسئولیت روشنی بر دوش کارفرمایان برای تأمین ایمنی و بهداشت کارگران قرار داده است، اما اجرای آنها با ناکارآمدیهای جدی مواجه است

• ضعف نظارت و بازرسی: تعداد و انگیزه کافی برای بازرسان کار وجود ندارد و جرایم بازدارنده نیستند.

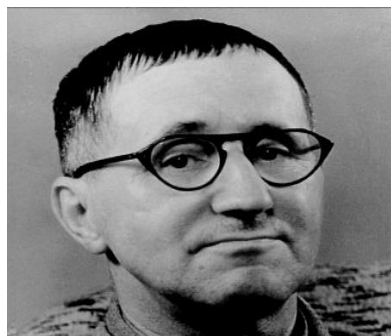
• تضعیف نهادهای حمایتی: کارگران آسپدیده در دعاوی حقوقی علیه کارفرمایان به ندرت به حق خود میرسند و دیوانها نیز اغلب جانب کارفرما را میگیرند.

• معضل پیمانکاری و نبود بیمه: با توجه به ماهیت غیررسمی بسیاری از مشاغل، بسیاری از کارگران، به ویژه در بخش ساختمان، فاقد هرگونه پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند. قانون بیمه کارگران ساختمانی (مصوب ۱۳۸۶) به درستی اجرا نمیشود و در صورت وقوع حادثه، این کارگران بی بضاعت و بدون هیچ حمایت مالی رها میشوند.

این تصویر، گوشه‌های از فاجع‌های انسانی و عمیقاً نگران‌کننده در نظام کار ایران است. تفاوت فاحش آمارها میان نهادهای مختلف، نه فقط یک اختلاف عددی، بلکه روایتی از شفاف نبودن اطلاعات و بیتوجهی به جان انسانهاست

**ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت
حمایت و برای تحقق آن مبارزهمی کنیم!**

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!



خلق های جهان متحد شوید

در راه آرمان مشترک

جهان که نعمت ما را می دهد

باید از آن ما شود بی شک

به پیش، و از یاد مبرید

در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنه گی و به هنگام سیری

به پیش، و از یاد مبرید



همبسته گی را!

ای سیاه! سفید! زرد! سرخ!

نزاع های دیرین را به یک سو گذارید،

سخن گوید با همنوعانتان و ببینید

همه اندیشه ای واحد دارید.

به پیش، و از یاد مبرید

در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنه گی و به هنگام سیری

به پیش، و از یاد مبرید

همبسته گی را!

برای پیش بردن امر ما

هم به تو ، و هم به تو نیاز هست

با یاران خود درافتادن

از نیروی خود کاستن است.

به پیش، و از یاد مبرید

در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنه گی و به هنگام سیری

به پیش، و از یاد مبرید

همبسته گی را!

دار و دسته حاکم بر ما

از دو دسته گی ما سخت خشنودند،

زیرا تا هست؟ این دو دسته گی برجا

می توانند آنان سروری کنند،

به پیش، و از یاد مبرید



در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنه گی و به هنگام سیری
به پیش، و از یاد مبرید
همبسته گی را!
کارگران جهان، متحد شوید!
تا از زنجیرها شوید آزاد
ارتش های قدرتمند شما می جنگند
تا محو کنند خود کامه گی و استبداد!
به پیش، و از یاد مبرید
و مساله به طور مشخص این است:
خواه گرسنه، و خواه سیر،
فردا فردای کیست؟
دنیا دنیای کیست؟
(برتولت برشت)

ما از اهداف و مطالبات مترقیانه جنبش زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!
به بیکاران باید حقوق بیکاری مکفی پرداخت شود!



دبیرکل اتحادیه سراسری کارگران اسپانیا در استقبال از روز جهانی کارگر:
خیابانها را با درخواست صلح برای ایران منفجر کنیم/ نه به جنگ، نه به استثمار!



پیه آوارس در سخنرانی خود اظهار کرد: جنگ علیه ایران قیمت‌ها را بالا برده، جنگ بسیاری از مردم را می‌کشد و پیامدهای منفی برای شهروندان همه جای جهان خواهد داشت.

به گزارش ایلنا و به نقل از اتحادیه سراسری کارگران اسپانیا (UGT)، پیه آوارس، دبیرکل اتحادیه سراسری کارگران اسپانیا، روز دوشنبه در مراسمی که برای استقبال از روز جهانی کارگر (اول ماه می) برگزار شد، در منطقه وایکاس مادرید در جمع کارگران سخنرانی کرد و ضمن بیان مشکلات اقتصاد جهانی، حقوق کارگران اسپانیایی را یادآور شد و بر ضرورت محکومیت جنگ علیه ایران تاکید کرد.

آوارس با اشاره به ضرورت افزایش حداقل دستمزد کارگران در اسپانیا و همه کشورهای جهان، ضرورت تقویت عدالت را یادآور شد و گفت: «بدون جنبش افزایش حداقل دستمزد، امروز جنبش برابری بین زن و مرد، جنبش‌های مدنی اقلیت‌ها و.. نیز وجود نداشت. بدون افزایش حداقل دستمزد، متوسط دستمزد کارگران ماهر نیز سقوط می‌کرد.»

آوارس تأکید کرد که اول ماه مه امسال باید جنبه‌ی بین‌المللی مشخص داشته باشد و همچنین مخالفت با جنگ ایران باید یکی از مطالبات جدی کارگران و اتحادیه‌ها در سراسر جهان باشد. او گفت: «باید اول ماه مه‌ای برگزار کنیم که خیابان‌ها را با درخواست صلح برای ایران منفجر کند. باید شعار نه به جنگ را بلندتر فریاد بزنیم و با اقدامات ترامپ مخالفت کنیم.»

او افزود: این جنگ قیمت‌ها را بالا برده، جنگ بسیاری از مردم را می‌کشد و پیامدهای منفی برای شهروندان همه جای جهان خواهد داشت.

در زمینه‌ی اقتصادی، آوارس خواستار توزیع بیشتر ثروت شد و گفت: شرکت‌های اروپایی به صورت متوسط سال گذشته بیش از ۱۳٪ سود کرده‌اند، بخشی از این سود باید در دستمزدها منعکس شود. او همچنین کاهش ساعت کار هفتگی به ۳۷ ساعت در هفته را یکی از دیگر اهداف اصلی جنبش صنفی در اروپا دانست.

سرانجام، آوارس در مورد وضعیت مسکن، به‌ویژه در منطقه‌ی مادرید هشدار داد: «بانیان نظام سرمایه‌داری در همه‌جا از جمله در اسپانیا، ارائه مسکن عمومی را نابود کرده‌اند. باید دوباره با کمک دولت، مسکن عمومی برای کارگران بسازیم و قیمت آن را مقرون‌به‌صرفه کنیم.»



اعتصاب کارمندان دانشگاه تهران در اعتراض به پرداختن نشدن حقوق

یکشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵

به گزارش کانال تلگرام صنف مستقل دانشجویان بهشتی، روز یکشنبه ۶ اردیبهشت کارمندان دانشگاه تهران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان از سوی وزارت علوم دست به اعتصاب زدند.



فراخوان اول ماه مه 2026 در هانوفر - آلمان

روز جهانی کارگر

شعار : Erst unsere Jobs, dann eure Profite

ترجمه: اول کار ما، سپس سودهای شما

جمعه 01.05.2026، شهر هانوفر شاهد برگزاری مراسم و راهپیمایی گسترده روز جهانی کارگر خواهد بود. اتحادیه‌های کارگری از جمله DGB، IG Metall، NGG و ver.di با فراخوانی سراسری، کارگران، مزدبگیران و تمامی اقشار جامعه را به حضور در این روز فراخوانده‌اند.

برنامه‌ها:

- شروع راهپیمایی (Demo): ساعت 09:30 Freizeithem Linden

- تجمع مرکزی (Kundgebung): از ساعت 11:00 Goseriedeplatz

- سخنران اصلی (Claudia Tiedge): نایب‌رئیس (NGG)

- جشن بین‌المللی اول ماه مه: از ساعت 11:00 Kulturzentrum Faust - همراه با موسیقی زنده و برنامه‌های متنوع)

در این روز، شرکت‌کنندگان با حضور در خیابان‌ها، مطالبات خود برای شرایط عادلانه کار، امنیت شغلی و عدالت اجتماعی را فریاد خواهند زد. همچنین نهادها و سازمان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی در این برنامه مشارکت دارند.

حضور گسترده در این روز، نمادی از همبستگی کارگران و مبارزه برای حقوق برابر است.

یکشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ - 26.04.2026





بیش از ۷۰۰ کارگر شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، از حذف مزایای اضافه‌کاری، تعطیل‌کاری، رفاهیات و حق بهره‌وری خود در یک ماه گذشته خبر دادند.

نمایندگان بیش از ۷۰۰ کارگر شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، در تماس با ایلنا، از حذف مزایای اضافه‌کاری، تعطیل‌کاری، رفاهیات و حق بهره‌وری خود در یک ماه گذشته خبر دادند.

کارگران شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر می‌گویند: از حدود ۱۵ روز پیش، کارفرما مزایای اضافه‌کاری و تعطیل‌کاری کارگران را به بهانه کاهش هزینه‌ها حذف کرده در عین حال هیچ خبری از پرداخت حق بهره‌وری و رفاهیات هم نیست.

به گفته آن‌ها، با حذف حق بهره‌وری، اضافه‌کاری و تعطیل‌کاری‌ها، از حقوق هر یک از کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر، حدود ۲۵ میلیون تومان کسر می‌شود؛ در عین حال، با حذف رفاهیات حدود ۱۵ میلیون تومان کاهش حقوق خواهیم داشت. با کاهش سرویس‌های ایاب‌ذهاب، کارگران با مشکل رفت و آمد مواجه شده‌اند.

کارگران مدعی هستند شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر که در زمینه عملیات بارگیری و تخلیه بار در بندر ماهشهر فعالیت دارد، وضعیت خوبی به نسبت سال قبل دارد و در جنگ تحمیلی اخیر نیز هیچ‌گونه آسیب ندیده است.

کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر می‌گویند: حذف مزایای مزدی آن‌ها به بهانه وقوع جنگ تحمیلی، قابل قبول نیست.

آن‌ها با بیان اینکه بی‌ثباتی در این شرکت باعث شده بخش زیادی از مطالبات به‌حق و قانونی کارگران ضایع شود؛ درباره وضعیت قراردادهای کاری خود افزودند: قراردادهای همه کارگران رسمی و قراردادی به سه ماهه تغییر کرده و با کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری نیز قرار دادهای یک ماهه منعقد شده است به همین دلیل نگرانی کارگران برای بیکاری با پایان قرارداد افزایش یافته است.

کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر اعتقاد دارند که درآمد فعلی، مخارج زندگی خانواده‌هایشان را تامین نمی‌کند. آن‌ها تاکید دارند که با حذف اضافه‌کاری و تعطیل‌کاری، برای تامین مخارج زندگی دچار مشکل شده‌اند.



دومین روز تجمع اعتراضی کارکنان مرکز بهداشت استان یزد مقابل استانداری یزد



کارکنان مرکز بهداشت استان یزد امروز (شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵) برای دومین روز مقابل استانداری یزد تجمع کرده‌اند. معترضان نسبت به مشکلات معیشتی، مطالبات خود و شرایط کاری اعتراض دارند. آنچه بیش از همه مورد اعتراض تجمع‌کنندگان قرار گرفته، بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان است؛ صدایی که شنیده نمی‌شود و مسئولی که برای پاسخگویی در میان جمع معترضان حاضر نمی‌شود. در شرایطی که فشار اقتصادی و معیشتی هر روز سنگین‌تر می‌شود، اعتراض‌های صنفی و معیشتی نیز در حال گسترش است. وقتی پاسخ مسئولان سکوت باشد، اعتراض‌ها خاموش نمی‌شود— بلکه گسترده‌تر خواهد شد.



۷۰۰ کارگر کارخانه نساجی بروجرد تعدیل شدند/ معرفی به بیمه بیکاری

یک منبع کارگری در کارخانه نساجی بروجرد به ایلنا گفت: در این واحد تولیدی حدود ۸۰۰ کارگر مشغول به کار هستند اما از ابتدای فروردین ماه سال جاری تعداد دستکم ۷۰۰ کارگر پس از خاتمه قرارداد، کارشان را از دست داده‌اند.

وی با بیان اینکه این کارگران به صورت میانگین بین ۵ تا بیست سال سابقه کار دارند، در ادامه درباره وضعیت کارگران گفت: دلیل تعدیل این کارگران، کمبود مواد اولیه در این کارخانه اعلام شده است.



این کارگر با بیان اینکه شمار کمی از همکاران به عنوان نگهبان و نیروی کار خدماتی در کارخانه باقی مانده‌اند و مابقی که شرایط دریافت بیمه بیکاری دارند به اداره کار معرفی شده‌اند گفت: کارخانه نساجی بروجرد دارای سه واحد ریسندهی، بافندگی و دوزندگی است که بیش از ۸۰۰ کارگر در آن مشغول کارند. ظاهراً برخی مسئولان وعده بازگشایی کارخانه و بازگشت به کار کارگران تعدیلی را تا سه ماه آینده داده‌اند اما به نظر می‌رسد این کارخانه فعلاً توان تهیه مواد اولیه را ندارد و فقط مقدار کمی نخ پلی‌استر در انبار ذخیره دارد

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>